

تجلیل از جانب‌باختگان راه آزادی خلق و میهن، آموزش از کارنامه های مبارزات انقلابی آنهاست؛ نه مدیحه سرائی و توصیفهای اغراق آمیز!

همه ساله طیفهای مختلفی از هواداران "ساما"، هواداران جنبش چپ و منسوبین جریان دموکراتیک نوین (شعله ایها) تاریخ 18 جوزارا بنام روزشهداء، روزجانب‌باختگان جنبش چپ کشوردر خارج کشورتجلیل می کنند. 18 جوزا مصادف است به روزاعدام مجید(کلکانی) بنیان گذارور رهبرسازمان آزادیبخش مردم افغانستان(ساما) که بتاريخ هژدهم جوزاسال 1359 خورشیدی توسط رژیم جنایتکاروفاشیست خلقی پرچمیها وسوسیال فاشیستهای روسی اعدام شد. کودتای ننگین وفاجعه بار7 ثورسال 1357 توسط افسران خلقی پرچمی وبه کمک مستقیم سازمان (ک گ ب و جی آریو) انجام شد وباندهای رویونیست سفاک ومزدورخلقی پرچمیها بقدرت رسیدند وزمینه های اشغال نظامی وتسلط استعماری سوسیال امپریالیسم روسی را برافغانستان آماده کردند. رویونیستهای خلقی پرچمی مانند دیگررویونیستها درسطح جهان شیادانه دم از"اعتقاد" به "مارکسیسم - لنینیسم" ورژیم "دموکراتیک" می زدند وسعی می کردند تا با بکارگیری کلمات وجملات" مترقی" چهره های ارتجاعی وضد انقلابی خودرامستورنمایند. این باندهای خاین وجنایتکارزمانی به قدرت دولتی دستیافتند، بیش ازپیش ماهیت ضد انقلابی وضد مردمی آنها آشکارگردید.

بعد ازکودتای ننگین ثور، درسطح کشور عمدتاً د ونیروی سیاسی علیه رژیم دست نشانده بسیج گردید؛ یکی نیروی ارتجاعی مذهبی"اخوان" که ازسنگردفاع ازمنافع فنودالیزم،کمپرادوریزم وامپریالیستهای غربی وارترجاع منطقه دربرابررژیم کودتائی وسوسیال امپریالیستهای روسی قدهلم کرد. ودیگری یگانه نیروی سیاسی مترقی وانقلابی، سازمانها، گروه ها وافراد منسوب به جریان دموکراتیک نوین(شعله ایها) بودند که بدفاع ازمنافع خلق ومیهن برخاسته ودربرابررژیم کودتائی وسوسیال امپریالیسم روسی به مبارزه ایدئولوژیک سیاسی ومبارزه مسلحانه پرداختند. اگرچه تشکلات مختلف منسوب به جنبش دموکراتیک نوین به لحاظ ایدئولوژیک سیاسی و(حتی استراتژی واهداف) دارای اختلافات جدی بودند وبیدین سبب نتوانستند به تشکیل یک سازمان ویا حزب انقلابی پرولتری دستیابند تامتحدانه علیه دشمنان طبقاتی وملی گوناگون خلق ومیهن مبارزه کنند؛ ولی این نیروها درآن زمان و شرایط یکی ازجبهه های مهم مبارزاتی راعلیه رژیم خلقی پرچمیها وسوسیال امپریالیستهای اشغالگرروسی ونیروهای ارتجاعی اسلامی وابسته ومزدورامپریالیستهای غربی درسطح کشورتشکیل می دادند. اینکه سازمانها وگروه های منسوب به جنبش دموکراتیک نوین درپروسه پراتیک مبارزه طبقاتی وملی(درآن شرایط عمدتاً مبارزه ضد رژیم مزدوروسوسیال امپریالیستهای اشغالگرروسی) چگونه دچاراشتباهات وانحرافات ایدئولوژیک سیاسی(انحرافات اپورتونیستی، رویونیستی وتسلیم طلبی طبقاتی وملی) شدند وازاین ناحیه ضربات سهمگینی به جنبش پرولتری ومبارزه آزادیبخش ملی مردم وارد گردید؛ به همه اعضای جنبش چپ کشوروتوده های خلق معلوم ومشخص است.

با انجام کوتای ننگین ثوررژیم دست نشانده با آگاهی وشناخت قبلی ایکه ازماهیت ایدئولوژیک سیاسی انقلابی گروه های منسوب به جنبش دموکراتیک نوین وموقف مبارزاتی آنها علیه رویونیسم خروشچفی وسوسیال امپریالیسم روسی وكلاً ارتجاع وامپریالیسم درسطح کشوروجهان داشت؛ بیش ازهمه این نیروها را هدف سرکوب ونابودی قرارداد. وبا آغازشورشها وقیامهای خود جوش توده های مردم علیه رژیم دست نشانده واشغاگران روسی حملات وحشیانه رابیش ازقبل علیه منسوبین جنبش دموکراتیک نوین آغازکرد وده هاتن از رهبران وکدرها وچندین هزارتن ازاعضا وهواداران این جنبش رادستگیروبعد ازشکنجه های وحشیانه وغیرانسانی به جوخه های اعدام سپرد. ازآنجاییکه دردهه چهل خورشیدی سازمان جوانان مترقی وجریان دموکراتیک نوین نقش عمده ومهمی را درافشای چهره رویونیسم خروشچفی، ماهیت ضدانقلابی وضد مردمی دولت سوسیال امپریالیسم "شوروی" وماهیت نوکری گروه های خلقی پرچمی وارترجاع مذهبی، "اخوان" ایفاء می کرد. وازجانب دیگرسازمان جوانان مترقی که رهبری این جنبش عظیم مردمی را درآن شرایط بعهده داشت؛ دچاراشتباه علنی گری

نیز گردید و تقریباً همه رهبران، کدرها و اعضای برجسته این سازمان و جنبش توسط دشمنان طبقاتی گوناگون شناسائی شدند. بدین صورت قبل از همه رهبران سازمان جوانان مترقی و اعضای مسئول جنبش دموکراتیک نوین شکار رژیم مزدور و سوسیال امپریالیستهای روسی و گروه های جنایتکار اسلامی " اخوان " شدند. با دستگیری و اعدام رهبران جنبش خاصاً اکرم یاری، مجید کلکانی، مسجیدی، بشیر بهمن، صادق یاری و ده ها تن دیگر، جنبش انقلابی مردمی کشور متحمل ضربه سنگینی گردید. علاوه بر کشتار منسوبین جریان دموکراتیک نوین توسط رژیم مزدور خلقی پرچمیها و سوسیال فاشیستهای روسی؛ گروه های ارتجاعی اسلامی جنایتکار نیز تعداد زیادی از کدرها و اعضای این جنبش را در جبهات جنگ ویا در کشورهای پاکستان و ایران جنایتکارانه بقتل رساندند. هم چنین رژیم مزدور و سوسیال امپریالیستهای روسی در جریان چهارده سال حاکمیت ننگین استعماری شان، صد ها تن از نیروهای سیاسی آزادی خواه و میهن پرست را به جوخه های مرگ سپردند؛ به همین صورت هزاران تن از توده های خلق رادستگیر و " بجرم " آزادی خواهی بعد از اعمال شکنجه های وحشیانه سربه نیست کردند؛ ده ها هزار تن از توده های خلق بپا خاسته برای کسب استقلال و آزادی کشورشان در نبرد درو یاروی با ارتش رژیم مزدور و ارتش سوسیال امپریالیستهای روسی جانهای خود را فدا کردند و به همین صورت صدها هزار تن دیگر با اثر بمبارانها و به توپ بستنها و راکتباران منازل مسکونی در شهرها و روستاهای کشور توسط ارتش رژیم مزدور و ارتش فاشیستهای روسی طی چهارده سال بقتل رسیدند. اینها همه شهدای گمنام خلق کشور هستند که جانهای عزیز خود را برای استقلال و آزادی کشورشان و رهائی از اسارت سوسیال امپریالیستهای روسی و رژیم سفاک خلقی پرچمیها و سازائنها و ملیشه های آدمکش دوستم و دیگران، فدا کرده اند. لذا بر همه نیروهای مترقی و انقلابی کشور است تا همیشه یاد این جانباختگان راه آزادی را صمیمانه گرامی بدارند و مبارزه انقلابی را برای نجات خلق و کشور از سلطه استعماری امپریالیستهای امریکائی و ناتو و حاکمیت دولت دست نشانده و نابودی کامل فئودالیزم و کمپرادوریزم و امپریالیسم از کشور، ادامه دهند. و بر همه باندهای جانی و آدمکش و میهن فروش و یاداران خارجی آنها (قدرتهای امپریالیستی و ارتجاع جهانی) نفرین و لعنت بفرستند.

گروه های ارتجاعی اسلامی خاین و جنایتکار که بعد از کودتای ننگین ثور و تهاجم نظامی سوسیال امپریالیسم روسی و به مستعمره کشیدن کشور و شورشها و قیامهای خود جوش خلق افغانستان، به کمک امپریالیستهای غربی و دولتهای ارتجاعی پاکستان و ایران و عربستان رهبری خود را بر جنگ مقاومت مردم تحمیل کردند و در نهایت همه فداکاریها و قربانیهای توده های خلق کشور را خاینانه در جهت اهداف پلید و ارتجاعی شان مورد معامله قرار دادند. این همه گروه های خاین، آدمکش و میهن فروش طی یازده سال اخیر نیز در خدمت امپریالیستهای امریکائی و ناتو و دولت مزدور کرسی قرار گرفته و به کشتار خلق کشور و ویرانی کشور ادامه می دهند. گروه های ارتجاعی اسلامی که مانند باندهای جنایتکار و آدمکش خلقی پرچمی، خون هزاران انسان بیگناه را ریخته اند و طی سی و چهار سال شنیع ترین جنایات را علیه خلق ما مرتکب شده و با خون بیش از یک و نیم میلیون از خلق کشور معامله کرده اند؛ اما به منظور اغوای بازماندگان جانباختگان راه آزادی کشور، همه ساله از شهدای مردم باصطلاح تجلیل می کنند. فجیعتر اینکه تنظیمهای ارتجاعی اسلامی روز 18 سنبله، روز گذشته شدن احمد شاه مسعود (کسی که دستهای آن تا مرفق به خون نیروهای مترقی و توده های خلق آزادی خواه آلوده است و با زد و بند و مزدوری با دولت مزدور خلقی پرچمیها و سوسیال امپریالیستهای روسی، وطن فروشی و تسلیم طلبی و وابستگی و مزدوری به امپریالیستهای غربی و دولتهای ارتجاعی ایران و پاکستان شدیدترین صدمه را به جنگ مقاومت مردم وارد کرده است) را بنام "روز شهدای افغانستان" تجلیل می کنند. چندی قبل هردو مجلس پارلمان دولت مزدور این روز را منحصیث روز رخصتی عمومی در افغانستان تصویب کرده و قانونیت داد. احمد شاه مسعود (که امپریالیسم و ارتجاع اورالقب " قهرمان ملی" داده اند) در سال 1983 میلادی با امضای پروتوکول عدم تعرض با دولت مزدور و ارتش اشغالگر روسی، شاهراه سالنگ این مهمترین راه تدارکاتی ارتش سوسیال امپریالیسم روسی را باز گذاشته و بنحوی امنیت آنرا برای ارتش دشمن تأمین کرد تا خلق کشور را سرکوب و کشتار کند. و بدین صورت داغ ننگ خیانت ملی برجبین او حک گردید و این خیانت شرم آور او هم قطارانش درج تاریخ کشور است. بهمین صورت تنظیمهای

ارتجاعی اسلامی" شیعه مذهب" همه ساله روز قتل عبد العلی مزاری (این جلاد حرفه ای وخاین ونوکرسر سپرده امپریالیسم ودولت ارتجاعی اسلامی ایران) توسط گروه طالبان را بنام " شهید" ملیت هزاره در داخل وخارج کشور تجلیل می کنند. طی سی و چهار سال اخیر هر یک از گروه های جنایتکار، آدمکش ووطن فروش از خود" شهید قهرمانی" دارد وبا تبلیغات گمراه کننده سعی می کند تا این چهره های اهریمنی وخاین وجلاد را" شهید راه آزادی وطن" در اذهان عوام نا آگاه القاء نمایند. چنانچه در سالهای اخیر باندهای خلقی پرچمیها وخادیسها نیز با استفاده از شرایط استعماری حاکم کنونی برکشور سعی می کنند تا نجیب خاین جلاد، وطن فروش وسرکرده خادیسها را نیز در اذهان توده های عوام منحیث " شهید وطن" جا بزنند. خلق ما طی صدها سال توسط طبقات ارتجاعی وقدرتهای استعماری وامپریالیستی اغوا شده وچنین چهره های خاین، وطن فروش وجنایتکاری رامنحیث " قهرمان ملی" در اذهان آنها جای داده شده ومدفن آنها را به زیارتگاه مبدل کرده اند. که این اهانت بزرگی به توده های خلق و جا نباختگان وقهرمانان واقعی آنها بوده وهست. همین طبقات ارتجاعی وامپریالیستهابه طرق وشبوه های مختلف رهبران وشهداء وقهرمانان واقعی توده های مردم رامورد تحقیر وتوهین وانواع تهمت واقترای ناروا قرار داده ومی دهند.

تعدادی از رهبران، کدرها واعضای جنبش دموکراتیک نوین منجمله اکرم یاری، مجید(کلکانی)، بشیربهمن ومسجدی در اسارت رژیم خلقی پرچمیها به وحشیانه ترین وجهی توسط دستگاه های جهنمی خاد وک گ ب شکجه شدند ولی با استقامت وشجاعت روی آرمان انقلابی شان استوار ماندند وتسلیم دشمنان خلق ومیهن نشدند واز جانهای شان مایه گذاشتند تا سرمشقی باشد برای نسلهای حال ونسلهای آینده که در راه نجات خلق ومیهن مبارزه می کنند. وباین ترتیب نامهای شانرا در تاریخ جنبش انقلابی مردمی کشور جاودانه به ثبت رساندند. امابطبق گزارش بعضی از افراد زندانی جنبش چپ کشور، تعدادی از اعضای زندانی جنبش چپ کشور منجمله اعضای زندانی سازمان پیکار برای نجات افغانستان در زندان به دشمن تسلیم شده وندامت نامه امضاء کرده اند؛ ولی تا امروز در برابر جنبش انقلابی پرولتاری کشور از خود انتقاد نکرده اند.

در هربارزه وانقلاب مردمی توده های خلق نقش تعیین کننده در تکامل وپیروزی مبارزه علیه دشمنان طبقاتی وملی(ارتجاع فئودال کمپرادوری وامپریالیسم) دارند ودر جریان پراتیک مبارزاتی رهبران واقعی خود را بوجود می آورند. ونقش رهبران واقعا انقلابی در رساندن آگاهی انقلابی پرولتاری به توده های خلق، بسیج وسازماندهی ورهبری مبارزات آنها وتعیین اهداف واستراتژی انقلاب در مراحل مختلف آن وطرح تاکتیکهای مؤثر در پروسه مبارزه انقلابی وهدایت انقلاب به جهت اصولی وانقلابی حایز اهمیت بسزای است وبدین صورت رهبران نقش تاریخی خود را بر سر نوشت مبارزاتی توده های خلق وپیشرفت وپیروزی انقلاب خلق بجا می گذارند. همانطور که رهبران واقعا انقلابی نقش ارزنده ومهمی را در ستمدگی جنبش انقلابی ومترقی ورهبری مبارزات توده های خلق بازی می نمایند؛ بلعکس بودند وهستند "رهبرانی" که در مقاطعی از مبارزه انقلابی توده های خلق دچار انحراف ایدئولوژیک سیاسی شده وجنبش انقلابی توده های خلق را از مسیر اصولی وانقلابی آن منحرف ساخته وانرا به قهقرا وشکست کشانده اند. از همینجاست که ارج گذاری به رهبران مبارزات انقلابی ومترقی خلق کشور واریابی از کارنامه مبارزاتی شان ومؤثریت شخصیت آنها بر روند مبارزات طبقاتی وملی باید واقعیبانه ویر معیارهای انقلابی پرولتاری استوار باشد. البته این امر مطلق نیست؛ هر مبارز انقلابی در عرصه پراتیک مبارزه طبقاتی وملی ودر پروسه انقلاب در تحلیلها وقضاوتهايش در مسایل مهم مبارزه وانقلاب دچار اشتباه ویابعضاً انحراف فکری وسیاسی می شود؛ لیکن رهبران واقعا انقلابی مردمی سعی می کنند تا با ارتقای سطح آگاهی علمی تئوریک وسیاسی شان اشتباهات وانحرافات خود را نقد نمایند. برخلاف بودند وهستند افرادی در سطح رهبری تشکلات سیاسی انقلابی مردمی کشور ودر سطح جنبشهای انقلابی پرولتاری جهان که با دچار شدن به انحرافات اپورتونیستی ورویزیونیستی وتسلیم طلبی طبقاتی وملی اعضای سازمانهای شان وتوده های خلق را گمراه کرده وانقلابات خلق را به شکست کشانده اند.

چنانکه در فوق تذکریافت گروه ها و افراد مختلفی از هواداران جنبش چپ کشور همه ساله از رهبران فقید جنبش چپ کشور تجلیل می نمایند. اما گروه ها و افرادی هم هستند که در تجلیل از این رهبران بیش از همه مقاصد سیاسی خود را مد نظر دارند. اینها سعی می کنند تا با ستایشهای اغراق آمیز از رهبران جنبش خود را "پیروان راستین" راه آنها وانمود کرده و از این طریق بفرکسب "اعتبار سیاسی" هستند. این عده تصور می کنند که با پناه گرفتن زیر نام و کارنامه مبارزاتی رهبران فقید جنبش می توانند به این هدف شان دستیابند. تجربه نشان داده که این سنخ گروه ها و افراد طی سه دهه اخیر نه تنها اینکه کوچکترین گامی در راه بر آورده کردن آمال و آرمانهای سیاسی این رهبران ورشد و تکامل جنبش انقلابی پرولتری کشور برداشته اند که با انحرافات فکری و سیاسی شان شدید ترین صدمات را به جنبش انقلابی کشور وارد کرده اند. اینها بجای سرمشق قراردادن مبارزات انقلابی و مترقی و مقاومت و پایداری این رهبران در برابر ترندها و شکنجه های وحشیانه ای دشمن؛ طی مقاله های عریض و طویل در توصیف این رهبران به مدیحه سرائی پرداخته و به شیوه های رومانتیکی و اساطیری به اغراق گوئی منمک می شوند و بیهوده گمان می کنند که می توانند از این طریق اشتباهات و انحرافات اپورتونیستی و رویزیونیستی خود را بپوشانند و "حقانیت" خود را با ثبات برسانند. مثلاً اعضا و هواداران سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) در طی سی سال اخیر مدعی "پیرو" راه و میراث دار مجید بنیان گذار و رهبران سازمان هستند. در حالیکه خط ایدئولوژیک سیاسی مجید که در برنامه اول "ساما" بازتاب یافته است، مشخص است. مجید قبل از همه بخشهای جنبش دموکراتیک نوین آغاز گرمبارزه مسلحانه علیه رژیم مزدور خلقی پرچمیها و سازمانده نبرد آزادی بخش ملی علیه سوسیال امپریالیستهای روسی بود و در این راه شجاعانه رزمید و تا آخرین لحظه حیاتش به مبارزه ادامه داد. او وحشیانه ترین شکنجه های جسمی و روحی را تحمل کرد؛ ولی تسلیم دشمنان خلق و میهن نشد. مجید منحیث یکی رهبران جنبش انقلابی کشور در بین روشنفکران مترقی و توده های خلق از اعتبار و حرمت برخوردار بوده و هست. لیکن امروز برخی از گروه ها و افراد از این موقعیت سیاسی و اجتماعی مجید برفع شان سوء استفاده می کنند. "ساما" ی بعد از مجید به لحاظ ایدئولوژیک سیاسی دچار انحرافات عمیقی شد. بعد از مجید برنامه "ساما" بر اساس "خط مشی مستقل ملی" و "اعلام مواضع" و "قبول" جمهوری اسلامی" تدوین و تصویب شد و انحرافات ایدئولوژیک سیاسی رهبران و کدرها "ساما" را به منجلا ب تسلیم طلبی طبقاتی و ملی کشاند. اما هنوز هستند افراد و گروه های از "ساما" که بدون انتقاد اصولی از این همه انحرافات ایدئولوژیک سیاسی و تسلیم طلبی شان طی بیش از سی سال اخیر و هم اینکه چگونه از این طریق به "ساما" و جنبش چپ کشور ضربه وارد کرده اند؛ باز هم خود را از رهروان "راه مجید" معرفی می نمایند. اقتضای اینجاست که افرادی از "ساما" که طی ده سال اخیر مستقیم و غیر مستقیم بخدمت اهداف امپریالیستهای امریکائی و اروپائی و دولت مزدور مرکزی قرار گرفته اند؛ ولی هنوز مدعی "پیرو راه مجید" هستند! همچنین افراد و گروه های در جنبش انقلابی پرولتری کشور هستند که بیش از همه خود را "میراث دار" اکرم یاری و "پیرو" راه وی می دانند، منجمله "حزب کمونیست (مائوئیست)" افغانستان. در صورتیکه این حزب با انحرافات اپورتونیستی اش و قرار گرفتن به خدمت اهداف و برنامه های امپریالیستهای اشغالگر و دولت مزدور، صدمات شدیدی به جنبش انقلابی پرولتری (م ل م) کشور وارد کرده است. اکرم یاری از جمله بنیان گذاران سازمان جوانان مترقی بود. او با الهام از انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی چین تحت رهبری رفیق مائوتسه دون، برای اولین بار مارکسیسم-لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون را در بین روشنفکران مترقی کشور تبلیغ و ترویج نمود و در سازمان جوانان مترقی تا آخر وی این موضع استوارانه ایستاد. لیکن امروز کسانی و تشکلاتی می توانند مدعی شوند که از پیروان راستین رفیق اکرم یاری هستند که با برخورد انتقادی به اشتباهات نظری و پراتیکی او در جهت ترقی و تکامل جنبش انقلابی پرولتری (م ل م) کشور و تحقق آرمانهای انقلابی وی صادقانه مبارزه کنند. باین صورت که با اتکاء به علم انقلاب پرولتری (م ل م)؛ مبارزه انقلابی را علیه انواع اپورتونیسم و رویزیونیسم و تسلیم طلبی و مبارزه طبقاتی و ملی را علیه ارتجاع فئودال کمپرادوری و امپریالیسم و در شرایط کنونی افغانستان مبارزه علیه امپریالیستهای اشغالگر و دولت مزدور را به پیش برده و این مبارزه را در جهت پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و انقلاب سوسیالیستی صادقانه ادامه

دهند. اعضاء و هواداران جنبش انقلابی پرولتری کشوربادر نظر داشت کارنامه مبارزات انقلابی و مترقی اصولی رهبران فقید جنبش انقلابی کشور و نقش مؤثر آنها در کارزار مبارزه طبقاتی و ملی؛ از این رهبران تقدیر و تجلیل نموده و بدین وسیله در برابر این دشمن ستیزان (که به مقابل شکنجه های وحشیانه رژیم خونخوار خلقی پرچمی ها و سوسیال فاشیستهای روسی، تا پای جان سرسختانه مقاومت کرده اند) ادای احترام کرده و درود انقلابی بر آنها می فرستند.

درود بر جانباختگاه راه آزادی خلق و میهن!

مرگ بر باندهای جنایتکار و مزدور خلقی پرچمی، سازانی، ملیشه ای، جهادی و طالبی!

مرگ بر امپریالیستهای امریکائی و ناتو و دولت مزدور کرسی!

پیروز باد مبارزات انقلابی خلق افغانستان و خلقهای جهان علیه امپریالیسم و ارتجاع!

7 جون سال 2012 (18 جوزا سال 1391 خورشیدی)

(پولاد)